

رویکرد شبکه‌ای، راهکار اشراف اطلاعاتی ناجا

ابوالفضل پورمنافی^۱

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۵/۲/۲۵

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۲/۲۱

فصلنامه مطالعات راهبردی ناجا/ سال اول / شماره یک - بهار ۱۳۹۵* ۶۴-۳۳

چکیده:

واقعیت‌های موجود و روندهای راهبردی نشان می‌دهد که دستیابی به اهداف کلان، بدون داشتن اطلاعات اساسی و کلیدی از روندهای موجود بر سر راه امروز و آینده و آگاهی از موانع و تنگناهای رقابت و کشاکش‌های جهانی و طی مسیرهای پُرفراز و نشیب و دل بریدن از برنامه‌های متعارف و معمولی محقق نخواهد شد و لذا یافتن سیاست‌های اطلاعاتی و شناختن شیوه‌ها و کارکردهای اشراف در سطح کلان و اشاعه شبکه‌ی یکپارچه از علوم و دانش‌های اطلاعات پایه و تولید و توزیع اثربخش، تنها راه رسیدن به این هدف مهم و کلیدی می‌باشد. در این میان الگوی راهبردی اشراف اطلاعاتی ناجا جامع‌ترین الگویی است که می‌تواند ساختار لازم را در مسیر رسیدن به امکان مناسب و برتر اطلاعاتی، در تصمیم‌سازی مناسب برای نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران فراهم نماید. الگوی اشراف اطلاعاتی از الزامات و پیشران‌های کلیدی در کارآمدسازی مدیریت غافل‌گیری و آینده‌نگاری برخوردار است و شناخت و به کارگیری آن‌ها بسترهای لازم را در تأمین کارکردهای اساسی تصمیم‌سازی از طریق این الگو به وجود می‌آورد و ضرورت طراحی جامع در این رویکرد را به عنوان یکی از الزامات اصلی الگوی اشراف اطلاعاتی ناجا را مطرح می‌نماید. در این مقاله سعی شده ارکان، عناصر، پیش فرض‌ها و چارچوب نظری حاکم بر طراحی اشراف اطلاعاتی ناجا احصاء و تبیین گردد. سپس ابعاد مختلف آن اعم از کارکرد، موضوع، منشاء، نیازهای اطلاعاتی و سطوح و نیز مولفه‌های آن در مقابل رویکردهای مرسوم و متعارف تشریح گردیده و در پایان نیز با استفاده از تکنیک اولویت‌بندی ابعاد و مؤلفه‌های آن تعیین گردد.

کلید واژه‌ها: اشراف اطلاعاتی، تفکر اطلاعاتی، رویکرد شبکه‌ای، آینده‌نگاری، اثربخشی.

مقدمه:

از ویژگی‌های بارز دوران کنونی، تغییرات پرسرعت و عدم قطعیت‌هاست. هر واحد سیاسی و هر کشوری تلاش دارد تا عدم قطعیت‌ها را هرچه بیشتر کاهش دهد. امروزه دانش آینده‌نگری بسیار ارج و قرب یافته است. برای کسب موفقیت در فعالیت‌های آینده‌نگری، باید به دو حوزه بسیار مهم توجه ویژه داشت: یکی کسب اطلاعات مفیدی که دانش ما را نسبت به جهان پیرامونی افزایش داده و در نتیجه عدم قطعیت‌های مختلف مربوط به شرایط آینده را کاهش می‌دهد و دیگری کسب توانمندی‌های مناسب برای بهره‌برداری از چنین دانشی در زمان مناسب است. این که ماهیت مشکل‌ها و فرصت‌های آینده چیست؟ احتمال بروز تهدیدها و فرصت‌های آینده چقدر است؟ تهدیدات و فرصت‌های آینده چه موقع و در کجا رخ خواهند داد؟ سؤالاتی است که پاسخ به آن‌ها، ابهام‌ها و نادانسته‌های ما درباره شرایط آینده را کاهش می‌دهند.

یکی از مباحث و مفاهیم نوینی که در مدیریت راهبردی مورد توجه نهادهای انتظامی و امنیتی در تصمیم‌سازی کشور است، چگونگی انتخاب دیدگاه و رویکرد حاکم بر تدوین راهبرد است. دیدگاه‌ها و رویکردها یا گذشته نگر و یا آینده نگر می‌باشند، که در چارچوب نگاه و مبانی پایه می‌تواند مورد ارزیابی قرار گیرد. این که محیط آینده چگونه ارزیابی و بر آن اشراف حاصل می‌شود؟ تغییر و تحولات در حوزه تفکر و الگوهای اطلاعاتی تصمیم‌سازی در چه بستری تحلیل می‌شود؟ آیا فکر می‌کنیم که در پارادایم‌های جاری همچنان بدون تغییر به تداوم اشراف ادامه خواهند داد؟ آیا می‌توان در پرتو پارادایم جاری با آگاهی و خلاقیت راهبردهای اشراف را تدوین کرد و یا تغییر پارادایم‌ها را حتمی و قطعی پنداشت و اعتقاد و باوری را توسعه داد که آینده‌نگری و آینده‌سازی و استفاده از فرصت‌های موجود و یا خلق فرصت‌های جدید را دربر داشته باشد، پایه تفکر و نگاه راهبردسازی را فراهم می‌کند. (ملکی فر، ۱۳۸۶: ۱۸)

گسترده‌گی حوزه‌ها و محورهای منازعه، رقابت و رویارویی دولت‌ها در عصر کنونی، درهم آمیختگی سطوح سه گانه راهبرد، عملیات و تاکتیک، بهره‌گیری فراوان از عنصر اطلاعات، محرمانه بودن، تصمیمات خلاق و پیش‌تازانه، آمادگی جهت رویارویی با تحولات و رقابت‌های نامتقارن، پیش‌بینی‌ساز و کار مناسب برای انطباق سامانه‌های موفق و کارآمد در برخورد با محیط‌های ناشناخته، توجه و تأکید بر توانایی و فعال‌سازی کنش‌های ویژه و فعال‌سازی مداوم و بیش از پیش ساز و کارهای مطمئن تصمیم‌سازی به همراه جلب افکار عمومی در سطح داخلی

و خارجی در برابر بحران‌ها و فشارهای ناامن‌ساز از جمله اموری هستند که رویکرد شبکه‌ای می‌تواند در اثر اجرای آن، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران را به سمت تحقق اشراف اطلاعاتی ناجا هدایت کرده و احاطه و تسلط کامل بر روندهای گذشته، حال و آینده وقایع و حوادث پیرامونی را در پناه آن (نیازمندی‌های اطلاعاتی) آن فراهم سازد به نحوی که قادر باشد تا در جهت پیش‌گیری و مقابله با تهدیدات و آسیب‌پذیری‌های مترتب بر منافع امنیت ملی تصمیمات لازم را اخذ و اقدام به موقع را به عمل آورند.

در واقع قابلیت اشراف در دانش اطلاعاتی آن نهفته است که می‌تواند پلیس را نسبت به افکار و نیات، تصمیمات و اقدامات حریف، و رقیبان که براساس یک فرآیند مطمئن به دست آمده و بیان‌کننده تهدیدات، آسیب‌ها و فرصت‌ها در حوزه‌های داخلی و خارجی است یاری نماید. این کارکرد می‌تواند برای نخبگان حاکم، دانش یقینی و علم قطعی پدید آورده و با اتکاء بر فرایند و مدار اطلاعاتی حاکم بر آن بررسی‌های نسبی اطلاعاتی را به اطلاعات قطعی و یقینی تبدیل و برای تهیه استراتژی‌ها و خط‌مشی‌های اطلاعاتی آماده‌سازی کند. بر اساس این هدف و رسالت، پلیس تمام کشورها و سامانه‌های اطلاعاتی آنان در جمع‌آوری و پردازش اطلاعات به عامل سرعت و کیفیت توزیع، دسترسی و محرمانه بودن بسیار اهمیت می‌دهند. اگر تمام زحمات و تلاش سیستم تا جمع‌آوری اخبار و اطلاعات معطوف به کسب اخبار مهم، کامل و جامع باشد، ولیکن به موقع در زمان مقتضی به مبادی ذیربط (تصمیم‌گیرنده و اقدام‌کننده) منعکس نشود یا به افرادی فاقد صلاحیت واگذار شود، فاقد هرگونه ارزش موردنظر است.

کیفیت کسب اخبار و اطلاعات مورد نیاز و توزیع و تناسب واگذاری آن در اولویت اول و برقراری سیستم‌های ارتباطی و به کارگیری وسایل و تجهیزات پیشرفته ارتباطی به منظور تسریع در تبادل اخبار و اطلاعات است. (عصاریان، ۱۳۷۹: ۱۷) اما بررسی نقش و چگونگی انتخاب رویکرد مناسب اشراف اطلاعاتی ناجا در این میان بسیار اساسی و کلیدی بوده و این که باید با چه رویکردی برای چه موضوعی با در نظر گرفتن چه روندی جهت رسیدن به چه سطحی از اشراف و جامعیت حاکم بر آن طراحی صورت پذیرد؛ سه رویکرد مبتنی بر پیش‌بینی و آینده‌نگری و مدیریت شرایط موجود، جهت‌های کلی را آشکار می‌سازد.

انتخاب هر رویکردی در طراحی تصویر اشراف اطلاعاتی به این بستر بر می‌گردد که این کارکرد چگونه شکل می‌گیرد. بر اساس رویکرد مبتنی بر پیش‌بینی، آینده‌ادامه و حفظ ثبات فعلی است و روندهای گذشته باید ثبت و رصد شود تا بتوان بر شرایط موجود مسلط شد. اگر

همین روندها با سرعت و آهنگی که به شرایط موجود رسیده‌ایم ادامه یابند هر پدیده‌ای که بتواند ادامه رونق اشراف را تضمین نماید به طور حتم دارای یک جامعیت می‌باشد که آثار و نتایج آن را می‌توان بررسی کرد. عموماً ارزیابی روندها در اشراف و انتخاب گزینه‌های احتمالی تصمیم، در چارچوب این نگاه صورت می‌گیرد.

تکنیک‌های کیفی و کمی بسیاری هم در این رویکرد مورد استفاده قرار می‌گیرند، به طوری که خود، آثار و عواقب آن را برآورد می‌نماید. در حقیقت این رویکرد تفکر تحلیلی و هم‌گرایی در روندهای انسجام و تمرکز را اساس جامعیت اشراف اطلاعاتی ناجا قرار می‌دهند. رویکرد مبتنی بر جامعیت و شبکه محور بودن اشراف، بحث مربوط به اعمال روندها و رخدادها را در پرتو تحولات، تغییرات و گسستگی‌های محیطی طراحی می‌کند. اعتقاد ابداع‌کنندگان این رویکرد آن است که همیشه روندهای اشراف اطلاعاتی و جامعیت آن با همان سرعت و آهنگی که داشته‌اند تداوم نمی‌یابند، همچنان که بسیاری از موارد قابل مشاهده در روند فعالیت سازمان‌ها و گروه‌های رسمی را می‌توان مورد بررسی قرار داد که قبلاً وجود داشته‌اند ولی هم‌اکنون دچار ضعف شده‌اند.

سیر تحولات فناوری و اشراف اطلاعاتی، الگوهای منابع پایه در توسعه و امنیت پایدار و جایگزین شدن الگوی دانش پایه در شرایط تصمیم‌سازی جامع، همگی شاهد ادعای این گروه است که آینده ساختنی و مهم‌تر آن که خلق پارادایم‌های جاری نیست و باید از فرصت‌های پارادایم همکاری و مدیریت شبکه اطلاعاتی استفاده کرد.

اما مهم‌تر آن است که خلق پارادایم جدید به صورت یک شبکه جامع صورت پذیرد و فرصت‌های جدید برای سازمان پلیس خلق شده و متناسب با شایستگی‌ها تصویر آینده ناجا شکل گیرد. بنابراین پیروان این رویکرد اشراف اطلاعاتی نخبگان را بر تحولات محیطی، یک الزام بقا برای هر جامعه و ملت می‌دانند و اعتقاد دارند بدون تسلط اطلاعاتی به زمان حال و گذشته، می‌باید تصویر غیرقابل دفاعی از عملکردهای امنیت داخلی از گذشته و حال و بروز احساس غافلگیرانه‌ای از آینده طراحی گردد و برای اجرایی و عملی کردن تصمیمات کلیدی و حساس در ترسیم شرایط مطلوب، باید پیوندی بین امکان پیش‌بینی رخدادها و روندها و تحولات کلیدی در بحران‌ها و پیشبرد تحولات متأثر از منافع امنیت ملی ایجاد شده و شرایط موجود و گذشته، دیده بانی و رصد گردد تا وضع موجود به وضع قابل هدایت و تسلط نخبگان انتقال داده شود. (عصاریان، ۱۳۸۶: ۸۸)

امروزه بیشتر پلیس کشورهایی که دارای تجارب ارزشمندی در حوزه اشراف اطلاعاتی در ساختار سازمانی و کلان خود هستند، از رویکرد شبکه‌ای استفاده می‌کنند. پیامد چنین رویکردی آثار بسیار مثبت و تعیین کننده در موفقیت پلیس در سطوح مختلف داشته است. نگاه دیگری که بسیار هم ممکن است بعید به نظر رسد، رویکرد سومی است که مورد استفاده بعضی از جوامع پیشرفته هم قرار گرفته و عبارت است از آن که شاخص‌های دولت مقتدر و توانمند را از شاخص‌های مدیریت و برنامه‌ریزی‌های اطلاعات پایه و پردازش تحولات و روندهای تاریخی انتخاب می‌کنند. می‌توان اذعان کرد آن‌ها با استفاده از الگوی محقق شده تاریخی گذشته، بصیرت‌های بنیادین در الگوی مورد نظر خود را بر می‌گزینند یا در چارچوب راهبرد افزایش دانایی و تسلط بر امور حرکت می‌کنند. از این جهت به آن رویکرد نهادینگی بصیرت در حفظ منافع امنیت ملی می‌گویند. البته در رویکرد دوم یعنی اشراف شبکه‌ای، از رویکرد شاخه‌بندی اطلاعاتی برای اجرای آن تصویر به صورت گسترده استفاده می‌شود. (39: Beard, 2014)

بیان مسئله:

در دنیای پیچیده امروزی، عوامل و مولفه‌های مختلفی در موفقیت یا عدم موفقیت یک سازمان تاثیرگذار می‌باشد. شناخت و اشرافیت بر این عوامل و مولفه‌ها با توجه به روند شتابان تغییر و تحول، به تنهایی کفایت نمی‌کند بلکه مدیریت اطلاعاتی و کنترل نمودن روندها و شگفتی‌سازهای مربوط به ظهور و توسعه و یا بروز بحران در سطوح ملی و فروملی از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار است. از سویی دیگر اشراف بر اطلاعات در دنیای کنونی به عنوان یک موضوع پایه، به صورت تصاعدی در حال رشد و نمایش اهمیت و اقتدار خود می‌باشد و فاصله‌ای که در یک برشی از این روند در حوزه اشراف اطلاعاتی وجود دارد البته شکاف‌های موجود در حوزه اشراف اطلاعاتی را نمی‌توان از طریق راه‌های متعارف و عادی مرتفع نمود؛ در چنین شرایطی نیاز به رویکرد شبکه‌ای می‌باشد. شناخت این راه‌ها و عبور از مرزهای تقلیدی در اشراف اطلاعاتی با تکیه بر ژرف نگری و رویکرد شبکه‌ای تکمیل می‌شود. رویکرد شبکه‌ای در اشراف اطلاعاتی مستلزم احصاء اصول و الزامات خاصی می‌باشد. بنابراین مسئله اصلی پیش رو عبارت است از اینکه: از چه رویکردی می‌توان برای افزایش سطح اشراف اطلاعاتی در سطح کلان و کاهش سطح غافل‌گیری و از دست دادن فرصت‌های حوزه منافع امنیت ملی و

ناکارآمدی و دفع موانع مدار اشراف اطلاعاتی باید استفاده نمود که بتوان به اطلاعات مطمئن به منظور واگذاری به نخبگان دست یافت؟

اهمیت و ضرورت تحقیق:

امروزه با گذشت سالیان متمادی از تلاش‌های گسترده در فعال نمودن چرخه اطلاعاتی، همچنان مرزهای مدیریت اطلاعات ناشناخته بوده و نیاز به توسعه و ایجاد الزامات جهت افزایش توانمندی‌های اطلاعات در شکل‌دهی به اشراف نخبگان حاکمیتی با اتخاذ رویکرد طراحی می‌باشد. از اهداف اشراف اطلاعاتی ناجا، حصول اطمینان از شبکه و صحت و سقم چرخه اطلاعاتی و اطمینان از منابع و مدار اطلاعاتی است تا نیازمندی مخاطب اشراف را تأمین نماید. اعتماد به ابزار، ارتباطات، مراجع و منابع اطلاعاتی و مدیریت ارزیابی گزارش‌های اطلاعاتی موجب می‌شود تا سازمان پلیس، اشراف مناسبی برای ایجاد شبکه‌های جمع‌آوری اطلاعات و تولید مطمئن و موثق نموده و با اطمینان از اهمیت، فایده و صحت، گزارش جامع اطلاعاتی مناسبی را برای مصرف‌کننده اشراف (مدیران عالی درون و بیرون ناجا) فراهم سازد، به نحوی که تمام اهداف اشراف متضمن سلامت چرخه اطلاعاتی باشد. تمام اهداف اشراف اطلاعاتی در این راستا واگذاری اطلاعات (مهم، کامل، جامع، سریع و مطمئن به مخاطبان) و حصول شرایطی است که با اتخاذ بهترین شیوه و نگرش نیازهای موردنظر را برطرف سازد. به تعبیری، شرط لازم جهت تحقق اهداف اشراف اطلاعاتی از طریق به کارگیری اقدام شبکه‌ای است که در شرایط امکان وقوع، اجرای آن را در اهداف کلان میسر نماید. در حقیقت با بهره‌گیری از این رویکرد، فرصت دستیابی به اطلاعات مورد نیاز مخاطب اشراف حاصل و با هر کدام از ارزش‌ها یا الزامات و محدودیت‌های خود، قابلیت تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری، آینده‌نگاری و مدیریت غافل‌گیری را برخوردار شود. (Babcock, 2013: 45) پس به مقتضای هر محیط و هدف اطلاعاتی، بهترین گونه و رویکرد را می‌بایست اتخاذ و به مرحله اجرا در آورد و در این فرآیند، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران در روند تحقق اشراف اطلاعاتی توفیق خواهد داشت و می‌تواند با تمام ساز و کارهای خود در انجام وظایف و مأموریت‌های محوله و دستیابی به بهره‌وری در چرخه اطلاعاتی حوزه مأموریت اعم از فعالیت ستادی و یا صحنه، فعالیت خود را معطوف به آن نماید. میزان موفقیت و اثربخشی هر سازمان در مدار اشراف، بستگی به تسلط نهاد مربوطه بر روندها و فرآیندهای مورد هدف اشراف (تصمیم‌سازی، جلوگیری از غافل‌گیری و خلق آینده) و

تسلط بر محیط و تعقیب منافع و اهداف کلان دارد (Argyris, 2011: 11). البته آنچه که در شرایط فعلی اشراف اطلاعاتی را با چالش مواجه خواهد ساخت، چگونگی نگرش اشراف بر حوزه و روند اطلاعات به عنوان هدف اصلی در تصمیم‌سازی‌های کلان و پیشگیری از غافل‌گیری می‌باشد.

مسلماً این مهم در پرتو روندهای موجود توانسته است میزان شناخت و به کارگیری اصول و الزامات راهبردی و با اتخاذ رویکرد طراحی میسر شود. از سوی دیگر نیت راهبردی و جهت‌گیری کلی سازمان حکایت از عزم جدی برای رشد قابل توجه اشراف اطلاعاتی دارد، ضمن این‌که حرکت کلی در این مسیر در ابعاد مختلف و در بخش‌هایی از ناجا همچون پلیس اطلاعات و امنیت عمومی از مدتها پیش آغاز شده و انسجام موثری را پدید آورده‌اند.

هدف تحقیق:

در راستای حل مسئله مورد نظر، هدف‌هایی که تحقق آن‌ها می‌تواند رویکرد شبکه‌ای اشراف اطلاعاتی را میسر سازد عبارتند از:

- ۱- شناخت و تبیین مناسب‌ترین رویکرد جامعیت بخشی به اشراف اطلاعاتی.
- ۲- بررسی و احصاء ابعاد و مولفه‌های رویکرد اشراف اطلاعاتی.

سؤالات تحقیق:

با توجه به تبیین مسئله اساسی تحقیق، این مقاله درصدد یافتن پاسخ به سؤالات زیر و رفع ناکارآمدی‌های موجود در این راستا است.

- ۱- آیا در مسیر اشراف اطلاعاتی رویکردی واجد کارآمدی و کاربری وجود دارد؟
- ۲- ابعاد و مولفه‌های طراحی در اشراف اطلاعاتی چیست؟
- ۳- اصول پیاده‌سازی گفتمان غالب در توسعه و تحکیم رویکرد اشراف اطلاعاتی چیست؟

فرضیات تحقیق:

با مطالعه مقدماتی و در نظر گرفتن مبانی نظری، برای پاسخ دادن به سؤالات تحقیق، فرضیات زیر در نظر گرفته شده و مورد بررسی قرار می‌گیرد.

- ۱- رویکرد شبکه‌ای مناسب‌ترین رویکرد در جامعیت بخشیدن به اشراف اطلاعاتی می‌باشد.
- ۲- اشراف اطلاعاتی با رویکرد دیده‌بانی راهبردی قابل پیاده‌سازی، استقرار و استمرار است.

نوع و روش تحقیق:

با توجه به این که این تحقیق با استفاده از زمینه و بستر شناختی و معلوماتی که با تحقیقات بنیادی فراهم شده پژوهش پیش رو از نوع کاربردی - توسعه‌ای بوده و در پی تبیین ابعاد و مولفه‌های رویکرد طراحی شبکه‌ای و اصول جامعیت اشراف اطلاعاتی است بهره‌گیری از روش تحقیق توصیفی و تحلیلی به تحلیل ابعاد و مولفه‌ها و اولویت‌بندی آن‌ها، با استفاده از تکنیک Micmac انجام می‌شود.

ادبیات تحقیق:

رویکرد چیست؟ منظور از رویکرد تعیین وضعیت کلی نظام‌مندی و روش‌هایی است که ساختار را قادر به تأمین کارکردها و مزیت‌های قابلیت‌ساز می‌نماید.

این ویژگی‌ها مربوط به یکی از موارد وظیفه‌مندی، کارآیی، مسایل و محدودیت‌های عملیاتی نوع فناوری و یا مصالح مورد استفاده، وضوح طرح، قابلیت استفاده مجدد، قابلیت تغییر در پویاسازی نظام رفتاری و سازمانی و قابلیت درک و جنبه‌های تخصصی و تکنیکی است. بنابراین کلمه رویکرد علاوه بر وجوه ساختاری در بردارنده وجوه کارکردی نیز هست (علی‌احمدی، ۱۳۸۳: ۳۳). تجربه علوم، مهندسی رفتار سازمانی ثابت کرده است که عواملی نظیر ابعاد، پیچیدگی، قابلیت گسترش و نیازمندی‌های خاص، مهم‌ترین ملاک تصمیم‌گیری در رابطه با لزوم هر نوع رویکرد به حساب می‌آیند. به عبارت دیگر هر جا که نیاز به یک نظام ساختاری و کارکردی باشد که ابعاد یا پیچیدگی آن از یک حد سازمانی و یا فراسازمانی پیش‌تر رفته، یا نیازمندی‌های حساس و یا خاصی را تحمیل نماید، نگرشی ویژه، جامع و همه‌جانبه را لازم خواهد داشت که در اصطلاح به آن طراحی جامع گفته می‌شود (ابوالقاسمی، ۱۳۹۱: ۲۷) و آن را ترکیبی از علم و هنر و تجربه می‌نماید که توانایی و قابلیت خاص ساختاری و کارکردی خود را در اختیار هدفی مشخص و کلان قرار داده و تحقق آن را تضمین می‌کند.

پیشران‌ها: منظور از پیشران همان نیروهای بزرگ شکل دهنده آینده است. پیشران‌ها به مجموعه‌ای از نیازمندی‌ها یا عوامل محیطی اطلاق می‌شود که در شکل‌گیری پدیده‌ها نقش دارند. (ادواردز و همکاران، ۱۳۸۹: ۵۹) رویکرد شبکه‌ای دو پیشران اصلی دارد. پیشران‌های رسالتی و پیشران‌های زیرساختی.

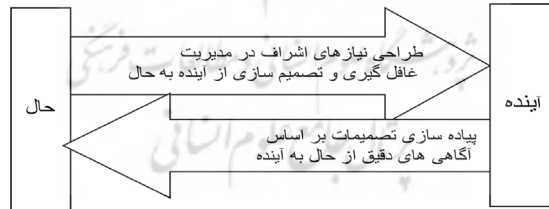
پیشران‌های رسالتی: به آن دسته از عوامل آرمانی و اهداف کلیدی اطلاق می‌شوند که بر روی رسالت‌ها، ماموریت‌ها، حوزه آگاهی و دانایی و خدمات خاص عملی و آرمانی تاثیر می‌گذارند.

تغییراتی که در این حوزه اتفاق می‌افتند هدف غایی را نشانه رفته و تحت فشار گذاشته و کارکردها را وادار به تغییر می‌کنند (Ash, 2012: 105).

پیشران‌های زیرساختی: پیشران‌های زیرساختی به آن دسته از عوامل مورد تعقیب در بدنه هدف اطلاق می‌شوند که در حوزه زیرساختی هدف رخ داده و به ماموریت طرح فشار می‌آورند (Gardner, 1985: 92). فشارهای ناشی از پیشران‌های زیرساختی نیز می‌توانند منجر به تغییرات کلیدی و مزیت ساز شوند. به عنوان مثال با ظهور شبکه‌های اطلاعاتی و ارتباطی اغلب سازمان‌ها مجبور به ایجاد تغییرات در حوزه امنیت اطلاعات و انتقال و محدودسازی سطح دسترسی در سازمان و مشتریان اطلاعاتی خود شده‌اند و واحدهای خاصی جهت حمایت از فرصت‌های اطلاعاتی و تکمیلی و تقویت چرخه‌های اطلاعاتی برای بهینه و سرویس‌دهی و تأمین اشراف مشتریان ایجاد کردند. (فرهنگی، ۱۳۸۶: ۱۲۱)

رویکرد شبکه‌ای در اشراف اطلاعاتی:

در موضوع اشراف اطلاعاتی رویکرد شبکه‌ای در مقابل روش سنتی و مرسوم در برنامه‌ریزی جمع‌آوری راهبردی مطرح است. لذا رویکرد شبکه‌ای آغازی است از پایان. یعنی در رویکرد شبکه‌های، به کیفی سازی روندها، رخدادها و فرایندها در حال و آینده سیر می‌شود و طراحی از آنجا انجام و به حال برگشته و پیاده سازی را از حال آغاز می‌کند (ادواردز و همکاران، ۱۳۸۹: ۸۹) در رویکرد شبکه‌ای برای آغاز به جای تبیین وضع موجود به وضع مطلوب و تبیین شرایط و روندها پرداخته تا کیفیت هدف حاصل گردد.



نمودار کلی کارکرد رویکرد طراحی در مدیریت اشراف ملی اطلاعات

به طور کلی دو رویکرد در برخورد با مسایل و اشراف اطلاعات و آرایه راه‌های کیفی سازی و توسعه عملکرد آن وجود دارد:
 ۱) رویکرد متعارف بنا به ضرورت‌های بهره‌گیری از اطلاعات سطح کلان برای تصمیم‌سازی‌های رایج.

۲) رویکرد طراحی هدف و قابلیت‌ها که براساس پارادایم تفکر تسلط و تحقق نتیجه است. رویکرد اول، رویکردی است که تا کنون برای یافتن راه حل مسایل و تصمیم‌سازی صرف به اشراف نگاه کرده و از آن استفاده شده است. در این رویکرد سازمان پلیس کشورهای در حال توسعه مورد بررسی قرار می‌گیرند و از موردهای موفق گذشته و حال آن‌ها، الگوبرداری می‌شود. بدین ترتیب، تلاش و انرژی کشورهای پیرو، صرف معرفی روش‌ها، روندها و رخدادهای و موردهای موفق کشورهای هدف در زمینه‌های مختلف می‌شود و در نتیجه قدرت خلاقیت نهادهای تولیدی را رها کرده و خود را از دست می‌دهند. چرا که نیروی آن‌ها عمدتاً صرف کپی برداری و معرفی نمونه‌های موفق کشورهای توسعه یافته (به عنوان پاسخ به مسایل خود) خواهد شد.

در قرن - ۲۱ که به کمک فناوری‌های پیشرفته، ارتباطات بسیار سریع شکل گرفته است، تغییر و تحولات شدید، نه تنها در زمینه سیاسی و امنیتی بلکه در تمامی زمینه‌ها، داشتن برتری اطلاعاتی به عنوان مطالبه‌ای عمومی اجتناب‌ناپذیر شده است. که در این صورت با این حجم رقابت هیچ پیش‌بینی و پرهیز از غافل‌گیری امنیتی و اطلاعاتی دیگر در آینده وجود نداشته و امکان آسیب‌پذیری فراوان می‌شود. در چنین فضایی کارکردهای سنتی دیگر رویکرد موثری نخواهد بود و پلیس کشورهای پیرو نمی‌توانند با کپی‌برداری از کشورهای موفق الگوی مدل و راه حل اشراف و مسایل اطلاعاتی خود را پیدا کنند. لذا رویکرد متعارف که رویکردی مبتنی بر شناخت مسئله و جمع‌آوری فراوان و انبوه اطلاعات است ناموفق جلوه کرده و در عوض رویکرد طراحی جامع و نوین به دنبال اشراف اطلاعات آن‌هم از نوع اطلاعات مفید و نه حجیم و فراوان می‌باشد (عصاریان، ۱۳۸۶: ۷۰).

در رویکرد متعارف، افراد، متخصص شناخت مسئله و یا تصمیم‌گیری خاص می‌شوند در صورتی که در رویکرد طراحی افراد، متخصص از حل مسئله تا ادراک، شناخت تا پیش‌بینی و کشف به صورت حرفه‌های گوناگون پدیده‌ها را رصد خواهند کرد.

رویکرد سنتی، گذشته‌نگر و نهایتاً حال را می‌بیند و همان را به آینده تعمیم می‌دهد و لذا امکان غافل‌گیری فراوان است؛ ولی در رویکرد طراحی همزمان با توجه به حال در چرخه اطلاعاتی، خلق آینده را نیز شامل می‌شود و پایان هر سلسله نیاز اطلاعاتی آغازی می‌گردد بر روش آینده به حال لذا مدیریت غافل‌گیری را در اشراف تامین می‌کند. بدین معنی که یک راه حل قابل اتکا و محتمل الوقوع برای آینده طراحی می‌شود.

اساساً برای طراحی آینده دو رویکرد وجود دارد، رویکرد اول همان رویکرد تحلیل رخدادهای روندها است که وضعیت گذشته و حال را تجزیه و تحلیل کرده و طراحی آینده را بر اساس همان تجربیات حاصله و شاید غیر قابل انطباق انجام می‌دهد. این رویکرد، در نزد نخبگان جهان امروز با شکست مواجه است چرا که هیچ نخبه‌ای در تصمیم‌سازی این اعتقاد را ندارد که هیچ رخدادی و آینده‌ای دیگر در امتداد گذشته نخواهد بود و جنگ هوشمندی و هوشیاری این روند را به کار نهاده است (AXELROD، 2010: 777).

رویکرد شبکه‌ای، علاوه بر توجه به مسئله اطلاعاتی، تجزیه و تحلیل رخدادهای روندها و مطالعه موردهای موفق بر اهداف کلیدی و نیات راهبردی متمرکز شده و به دنبال خلق راه حل‌های نافذ و برتری ساز است. این روش همه جانبه‌گی و جامعیت اطلاعاتی مشتریان را فراهم می‌سازد. پس از خلق راه حل مسلط ساز و آگاهی دهنده تلاش می‌شود. بر اساس روش‌های جامعیت بخشی سطح اطمینان به برتری و موفقیت به عنوان یک راه حل در این رویکرد به جای صرف تقلید آموختن از گذشته واقعی یافت شود. (عصاریان، ۱۳۸۱: ۱۳) حال و موردهای موفق کشورهای توسعه یافته، از راه حل‌های فلسفی، منافع، مصالح، اهداف و نظام‌های تئوریک سیاسی بهره‌گرفته و به طراحی پویا و بومی، قابل حصول و متناسب با نیاز مشتریان گوناگون اطلاعاتی با قابلیت‌های تحول و نوآوری و روزآمدی و تعالی روندها اندیشیده و ماحصل را در رسیدن به آینده‌ای موفق، دافع تهدید، جاذب و هم راستا با آرمان‌های نظام سیاسی فعال می‌سازد.

پارادایم جامعیت در توسعه فرهنگ شبکه‌ای در اشراف اطلاعاتی راهی برای حرکت به جلو است. رویکرد شبکه‌ای تنها راه عبور و حرکت به پیش و توسعه هوشمندی‌ها و ابتکار است. چرا که در این رویکرد هیچ مورد موفق گذشته، کپی برداری نشده و شیوه حاصله آن بر اساس راه حل هدف مبنا و به روش اطمینان بخش برترساز می‌باشد.

نفی تفکر سنتی اشراف، زیربنای اصلی رویکرد شبکه‌ای:

اشراف اطلاعاتی وقتی اتفاق می‌افتد که از محدوده و مرزهای آگاهی و دانایی، روش‌ها یا شیوه‌های موجود، به وسیله یک نگاه خلاق، آینده‌نگر و متفاوت پا فراتر نهمیم. در اشراف «توان ترسیم واقع‌بینانه آینده و پیش‌بینی نتیجه تصمیمات» کلان اطلاعات، کلمه کلیدی است. اشراف اطلاعاتی زمانی اتفاق می‌افتد که یک تصمیم جدید مبتنی بر آن بتواند قابلیت‌های

خود را برای عبور از محدودیت‌های گذشته نشان دهد و ثابت کند که می‌تواند با ترکیب توانمندی و ترسیم واقع بینانه و متکی بر تصمیم‌سازی‌های مطمئن و متکی بر عرصه اطلاع و دانایی پا به وادی موفقیت گذاشته و به حیات خود ادامه دهد.

تفکر شبکه محور بودن اشراف اطلاعاتی بر اساس معرفت‌شناسی راهبردی و نظریه نظام‌مندی بوده و کاملاً با پارادایم تفکر «کل نگر» اطلاعات، هدف‌مدار، به هم وابسته و نظریه‌ای متعارف در مدیریت دانش و یا سامانه‌های مدیریت اطلاعات متفاوت است.

عناصر رویکرد شبکه‌ای در اشراف اطلاعاتی :

رویکرد شبکه‌ای، از عناصر مختلفی برخوردار است که مهم‌ترین آن‌ها در قالب مدل تعاملی عبارتند از:

الف) مبانی: مبانی رویکرد شبکه‌ای، جامعیت بخشیدن به اشراف اطلاعات است که بر پایه نیات راهبردی آغاز می‌گردد و تدوین شرایط تولید اطلاعات مطمئن در شبکه اشراف به منظور توسعه و برتری کلان می‌تواند جهت‌های اساسی را در رویکرد طراحی تعیین و سمت و سوی موفق اشراف اطلاعاتی را تضمین نماید. (Gries, 2010 : 777)

ب- پیشران: نگرش راهبردی به عنوان پیشران ملی کلیدی در این راستا مطرح می‌باشد. لذا توجه به متعالی‌سازی نگرش شبکه‌ای به منظور کشف فرصت نکته‌ای کلیدی است که در غیر این صورت عواملی که بتواند ضرورت اشراف را به اهداف، راهبردها و شبکه‌های اقدام، تبدیل کند وجود نخواهد داشت. لذا رویکرد شبکه‌ای می‌تواند با پیوسته‌سازی روندها به یک پیشران اصلی و تبیین پیچیدگی‌ها به فرایندی اجتماعی و قابل استقرار در نهادهای اطلاعاتی و امنیتی خود بوده و همین موجب تحقق اشراف اطلاعاتی می‌شود.

ج- روندها: رویکرد شبکه‌ای برای این که بتواند با پیشران اصلی اشراف اطلاعاتی نیازهای ناجا را تبدیل به کارکرد و محصول تصمیم‌سازی نافذ و عمیق نماید، نیاز به تبیین روند دارد. ترسیم روند اصلی برای این کار حرکت به سمت تدبیر آینده می‌باشد. تدبیر آینده با استفاده از نگرش شبکه‌ای به عنوان پیشران تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها را به کارکرد مشخص و برای پیشبرد و تحقق اهداف تبدیل نمود.

د- روش: پس از تعیین روندهای اساسی در طراحی اشراف اطلاعات نیاز به روش‌های کارآمد در فعال سازی این روندها می‌باشد و تبیین فرایندها و چرخه‌های کارآمد اطلاعاتی یکی از روش‌های

کارآمد در به‌گزینی آینده و توسعه موفقیت‌ها در عرصه منافع امنیت به‌شمار می‌رود.
ه- **کارکرد:** با رویکرد شبکه‌ای باید بتوان کارکردی راهبردی به اشراف اطلاعات داد و در پناه آن بتوان به تحقق تصمیمات و حفاظت از منافع امنیت ملی اطمینان داشت (77: Hulnick, 2015).

و- **محصول:** محصول و استنتاج رویکرد شبکه‌ای در اشراف اطلاعاتی که در واقع می‌توان به عنوان هدف نهایی از آن یاد کرد، بهره‌گیری از این کارکرد در راستای پیشبرد قاطع اهداف نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران در صحنه‌های فرو ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی می‌باشد.

رویکردهای غالب در طراحی اشراف اطلاعاتی:

با توجه به کارکردهای مورد انتظار در اشراف اطلاعاتی، آن‌چه که نگارنده در بررسی رویکردها و گرایش رده‌های مسؤول در جهت نیل به اشراف اطلاعاتی، می‌تواند در صحنه عمل به آن پرداخته و جهت‌گیری سازوکار مولد اشراف را معطوف به آن نماید، در پنج الزام کلی تقسیم نموده است:

الف- الزام سیاستی ب- الزام روشی ج- الزام شبکه‌ای ارتباطی د- الزام موضوعی ه- الزام محیطی

الزام سیاستی در اشراف اطلاعات:

در این الزام بر مبنای خط مشی و سیاست‌گذاری، سازمان در فرایند انجام مأموریت عمدتاً دو سیاست را باید در سرلوحه کار خود قرار دهد: اول سیاست اشراف اطلاعاتی در جهت‌گیری و انطباق با منافع و اهداف کلان و سپس سیاست اشراف اطلاعاتی در ایجاد یکپارچگی و اجماع عملی نخبگان در تعقیب سیاست‌های کلان. گرایش به این الزام جاذبه بیشتری به اشراف داده و در صورت وجود شرایط و امکان‌پذیری آن، هماهنگی‌های برخاسته از فلسفه اشراف و اطلاعات را تأمین می‌نماید که به موازات آن می‌بایست به الزام دیگری تحت عنوان الزام بهره‌وری اطلاعات راهبردی را به عنوان مکمل و معنا بخش اجماع نخبگان که برخاسته از اشراف یکپارچه اطلاعاتی است توجه بیشتری داده تا نقاط ضعف این الزام، با اتخاذ الزام‌های انسجام‌ساز برطرف شود و لذا یکی از الزام‌های این سیاست در راستای اشراف اطلاعاتی در

اهداف مورد نظر و گرایش به رفع نیازهای عمومی و اجماع‌ساز نخبگان است که به تعبیری جمع‌آوری هدفمند و یکپارچه را طلب می‌کند است، که بیشتر معطوف به محصول و خروجی یکپارچه تصمیمات کلیدی که متکی بر اطلاعات کیفی، مهم و نافذ در عمق حفاظت شده منافع امنیت ملی است. به طور کلی سیاست‌گذاری در یکپارچه سازی اطلاعات کلیدی در اشراف عمدتاً در اهدافی است که امکان تصمیم‌سازی‌های کلان و آشکار فراوان وجود داشته و تنها راه دست‌یابی به اهداف مورد نیاز، نفوذ آن و یا جذب منابع مستعد از آن اهداف، مورد توجه مدیریت اشراف اطلاعاتی قرار گیرد و همان طور که گفته شد، ماهیت آن عمدتاً یکپارچه‌سازی و پایداری بر منافع امنیت ملی است و بر روند حساسیت حریف با اتخاذ روش‌ها و ابزارهای، بسیاری مورد توجه و دقت قرار می‌گیرد. (عصاریان ۱۳۸۴: ۵۹)

الزام روشی در اشراف اطلاعاتی:

در این الزام بر مبنای روش‌های ناب و تجربه‌شده در توسعه و نهادینه‌سازی اشراف و تأمین برتری اطلاعات مورد نیاز سازمان تصمیم‌ساز و کلان‌نگر در سرلوحه کاری خود قرار می‌گیرد. به طور کلی هر سیستم آینده‌نگر برای تأمین نیازمندی‌های خود در اهداف مورد نظر، با اتخاذ بهترین شگردها و روش‌های مؤثر و کارآمد درصدد تأمین اطلاعات و کارآمدترین زمینه‌های اخذ تصمیمات مطلوب مورد نیاز خود برمی‌آید و با فراهم آوردن ساز و کارهای مناسب به فراخور هر روشی که امکان دست‌یابی به اهداف اشراف اطلاعاتی را با سرعت، صحت و اطمینان لازم میسر نماید و موفقیت رهبران ارشد و راهبردی را محقق می‌نماید.

عمده روش‌های متداول در اشراف اطلاعاتی عبارتند از:

- ۱- روش تأمین و تحقق اشراف بر چرخه اطلاعات رسمی و دولتی در کشور.
- ۲- روش تأمین و تحقق اشراف بر چرخه اطلاعات غی رسمی و عمومی در کشور.
- ۳- روش تأمین و تحقق اشراف بر چرخه اطلاعات پنهان داشته.
- ۴- روش تأمین و تحقق اشراف بر چرخه اطلاعات محیطی (منطقه ای و بین المللی) (عصاریان، ۱۳۸۱: ۸)

البته باید اذعان داشت که همه روش‌های فوق بنا به مقتضیات، شرایط و توانایی و مقدورات سازمان به مرحله اجرا در آمده و در اکثر این سازمان‌ها هر روش به طور مجزا با ایجاد تشکیلات و سازمان دهی مناسب خود توسعه یافته‌اند.

الزام موضوعی در اشراف اطلاعاتی:

در این الزام بر مبنای موضوعات و محورهای کلان در اشراف مورد نیاز به تعبیری نیازمندی‌های کلان و راهبردی اطلاعات معطوف گردیده و تمام فعالیت‌های مبتنی بر تقویت اشراف اطلاعات برای تأمین این نیازمندی‌ها انجام می‌پذیرد. در حقیقت نیازمندی‌های اشراف در این الزام مبنای تولید اطلاعات در سیستم‌های موضوعی قدرت ملی برای ایجاد اشرافیت اطلاعاتی در اهداف و منافع امنیت ملی می‌باشد. در تعاریف مبتنی بر این الزام نیازمندی اطلاعاتی در محورهای اقتصادی، دفاعی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و امنیتی سمت و جهت نهاد اشراف را روشن نموده و در واقع راهنمای عملی تحقق شبکه اشراف و گسترش سامانه‌های یکپارچه و منسجم در موضوع اطلاعات است. طرح تأمین و تحقق اشراف اطلاعاتی مبتنی بر شناسایی محورهای اساسی در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری‌های کلیدی خبرگان است که بایستی با دقت و مهارت لازم، این محورها و موضوعات دسته‌بندی و مشخص شده و به عنوان یک راهنمای موضوعی در اختیار کلیه دست‌اندرکاران و عوامل سازمان قرار گیرد. از دیدگاه اشراف اطلاعاتی توجه به این نکته که اهمیت و اولویت کدام محور و موضوعات زیادتر است که عمده تلاش خود را معطوف به برنامه‌ریزی در این زمینه نمایند.

با توجه به ضرورت بحث شناخت و اولویت بندی اطلاعات حیاتی و مزیت ساز در موضوعات قدرت ملی به عنوان پایه و محور اصلی سازمان به منظور خلق آینده‌ای مطمئن و چشم‌اندازی استوار، این سؤال پیش می‌آید که این ضرورت‌های تأمین اشراف، چگونه احصا و تعیین می‌شود؟ مبنای تعیین محورها و موضوعات ارتقاء اشراف اطلاعات چیست؟ آیا محورها و اطلاعات مستخرجه از آن ثابت هستند یا متغیر؟ چه مرجعی این نیازمندی‌ها را تعریف و تأمین می‌کند؟ برای پاسخ به این سوالات، ابتدا می‌بایستی مشخص کرد در طرح اشراف موضوع پایه به دنبال چه چیزی هستیم و این نکته برای منافع امنیت ملی هر کشور بسیار مهم و حائز اهمیت است، زیرا دائماً پیگیری و تعقیب منافع مزبور یادآور این مهم است که نهاد اشراف چرخه اطلاعاتی و شبکه‌های عملیات چگونه خود را نسبت به محورها و موضوعات مورد نیاز این محورها می‌تواند در ابتدا شاخص بندی و توجیه و راهنمایی کنند. (Pillar, 2001: 102) به حوزه‌های گوناگون تقسیم و سپس برای جایابی در چرخه اطلاعاتی در غالب یک دستورالعمل یا کتابچه راهنمای تأمین اشراف در همان حوزه مشخص و سازمان در پناه عمل شبکه‌ای با تعریف دسترسی و سطوح محرمانگی و تأثیرگذاری بر اطلاعات حاصله به محورهای ابلاغی از

پیش تعیین شده را غنا بخشیده و با رویکرد پیشسازی در منافع امنیت ملی گزارش‌های معطوف به محورهای فوق را رصد و فرآیندهای اشراف را نیز به همراه تصمیم‌گیری‌های کلیدی تصحیح کنند (Axelrod, 2010: 19).

برای حصول به این منظور قواعد و مبنای تعیین کارآمدی و اثر بخش سازی اشراف در الزام موضوعی می‌تواند در هر سازمان به ترتیب ذیل تنظیم شود. (۱) مأموریت تخصصی سازمان. (۲) تهدیدات و آسیب پذیری‌های موضوع هدف. (۳) حوزه عمل و فعالیت اشراف در سازمان. (۴) تجارب و سوابق تخصصی سازمان در توسعه قدرت ملی. (۵) منابع و امکانات هم افزای قدرت ملی در سازمان.

الزام محیطی در اشراف اطلاعاتی:

در این الزام، مبنای توسعه، تأمین و تحقق اشراف اطلاعاتی بر اساس کارکردها، روندها، فرایندها و تعقیب منافع امنیت ملی در محیط‌های گوناگون فراملی هدف‌گیری در نظر گرفته می‌شود «هدف» در الزام محیطی تمامی اجزا، عناصر عواملی، تشکیلات یا مجموعه‌ای است که موضوع تصمیم‌سازی کلان قرار می‌گیرد. به تعبیر دیگر «هدف» عبارت است از محدوده مکانی که می‌تواند به عنوان سوژه مورد تعمیم در منافع ملی واقع و نیازهای سازمان را فراهم کند. بنابراین حوزه قلمرو فعالیت اشراف اطلاعاتی معطوف به اهداف فراملی در محیط منطقه‌ای و بین‌المللی است. حریم و حیطه تعقیب اهداف اشراف بر اساس «ماهیت تصمیمات» مورد نظر سیاست‌گذاری شده و با شناخت دقیق هدف، محورهای تأمین و تحقق اشراف مشخص و تمام ساز و کارهای مبتنی بر شبکه‌بندی و ترسیم فرآیندهای آن اعم از اتخاذ روش و مدیریت چرخه اطلاعاتی متناسب براساس آن تعیین می‌گردد.

الزام هدف پایه در اشراف اطلاعاتی:

از این منظر سازمان اشراف بر اساس هدف گذاری و تبیین سیاست‌های مترتب بر حوزه کارکردی خود دو گونه از اهداف کلان را به‌عنوان پیش شرط حیات و رسالت خود قرار می‌دهد. اهداف ثابت به اهدافی اطلاق می‌شود که با توجه به شرایط و مقتضیات نهادی و تخصصی اشراف در روندهای موضوعی و حامی لیست‌های ملی و نهادی و برنامه‌ریزی‌های اجرایی و راهبردی برای همیشه می‌بایست تحت کنترل و اشرافیت اطلاعاتی قرار گیرد و با ایجاد ساز و کار لازم

و سازمان‌دهی دائمی به طور مستمر در راستای مأموریت سازمان واقع تا امر غافل‌گیری رخ نداده و شرایط واکنش صحیح و به موقع همواره فعال بماند. این اهداف به نوعی همانند اهداف پایدار از لحاظ مداومت باید در حال رصد و پی‌گیری باشند و وقفه‌ای در انجام مأموریت رصد آن به وجود نیاید و اهداف مقطعی که اهدافی هستند که در یک شرایط بروز یک روند بحرانی و اجتماعی، اطلاعاتی و امنیتی و نگران‌کننده و یا از بین رفتن احساس از دست‌دادن و ضربه‌پذیری منافع امنیت ملی بروز می‌کند یعنی تابعی از تشبیت و مدیریت مطلوب آن شرایط هستند. (Bozeman, 2010: 127) برای اشراف برای این اهداف مقطعی سازوکارهای اشراف باید مجموعه خود را به گونه‌ای سامان دهد که از امکانات و عناصر موجود یا بالقوه خود را در صورت وجود شرایط مورد نظر به راحتی و بدون اتلاف وقت فعال کرده و آمادگی لازم را در جهت تصمیم‌سازی‌های کلیدی و رفع نقصان‌های امنیت ملی تولید نماید.

الزام شبکه‌ای اشراف اطلاعات:

تعیین وظایف و کارکردها در ساختارهای شبکه‌ای (در سطح کلان و خرد) از مسایل و مشکلات پیش روی اشراف اطلاعات می‌تواند به شمار آید، زیرا اگر ارتباطات، سلسله مراتب، شرح وظایف، حیطة نظارت، روابط سازمانی، نوع و قالب دسترسی، حد محرمانگی، زمان‌ها و فرآیند دسترسی به درستی تعیین نگردد، انتظار دست‌یابی به اشراف کامل و یا حتی نسبی اطلاعات کاری آسیب‌زا و بیهوده می‌نماید. ساختارهای شبکه‌ای امکان تعریف سطح دسترسی و فراهم‌سازی امکان و ایجاد تسهیلات را برای جریان تولید اطمینان بخش و مؤثر اطلاعات بهبود می‌بخشد و وظایف و کارکردها را به طور شفاف تسهیل و بیان می‌کند، این الزام از استهلاک نیرویی تجهیزاتی و هزینه‌های بی‌مورد در سازمان‌ها و مطالبات سطوح ملی و فروملی و بروز اقدامات موازی نیز جلوگیری می‌نمایند. (عصاریان نژاد، ۱۳۸۳: ۶)

در الزام شبکه محور با کنترل سطح فرآیندها، لاجرم سازوکار و زیربنای سازمان می‌بایست به درستی تبیین گردد تا این ساز و کار بتواند اهداف مورد نظر خود را عملی گرداند. در سلول‌هایی از شبکه اشراف که هنوز روابط درون شبکه‌ای به درستی نتواند سهولت عملکرد در چرخه اطلاعاتی و زمینه‌های گردش مناسب و تولید اطلاعات راهبردی که منتج به آگاهی و دانش کلان تصمیم‌سازی می‌شود را ایجاد نماید، نمی‌توان انتظار موفقیت شبکه را داشت. ساختار و سازمان شبکه‌ای به عنوان بستر و زیربنای فعالیت و متناسب با فرایندهای مشارکت

در تولید تا توزیع اطلاعات از اهم نیازمندی‌های این الزام به شمار می‌رود. امروزه یکی از چالش‌هایی که در عرصه‌های مختلف دامن‌گیر واحدهای امنیتی، انتظامی و اطلاعاتی گردیده است. غافل‌گیری‌های متنوع و متعدد در حوزه مأموریتی است که یکی پس از دیگری نصیب این سازمان‌ها می‌گردد. اغلب کارشناسان، منشأ و علل این غافل‌گیری‌ها را با ناکامی در اشراف اطلاعاتی مرتبط دانسته‌اند. حتی سازمان‌های قدرتمند اطلاعاتی مانند سی.آی.ا که به داشتن سیستم‌های کارآمد امنیتی و اطلاع‌رسانی جامع با قدمت طولانی و قدرت افسانه‌ای مشهور گشته‌اند، از این غافل‌گیری‌ها بی‌بهره نمانده‌اند.

شیوه‌ها و راه‌های حصول به اشراف اطلاعاتی:

برای دست‌یابی به اشراف اطلاعاتی در حقیقت باید سیاست‌های اطلاعاتی مبتنی بر تأمین ملی را در اهداف مورد نظر تعمیم داده و با نگرش به کارکردی نمودن تمامی رویکردهای حاکم بر کیفی سازی اشراف اعم از تبیین شیوه‌ها و رهیافت‌های سیاستی، روشی، ابزاری، موضوعی و محیطی، می‌بایست گام‌هایی جهت حصول به یک شبکه اثربخش در اشراف اطلاعات فراهم آورد تا بتوان زمینه‌های شکل‌گیری یک سامانه کلیدی و مطمئن تصمیم‌سازی را فراهم آورد. این گام‌های اساسی عبارت است از:

- ۱- شناسایی اهداف و نیازهای مبتنی بر شکل‌گیری و سازماندهی اشراف؛
- ۲- تعیین ساختار و سامانه‌های فعال‌سازی اشراف از سیاست‌گذاری تا هدایت و پشتیبانی تا تصحیح عملکردها؛
- ۳- امکان‌سنجی، انتخاب و آموزش بهینه تاکتیک‌ها و فنون تخصصی اجرای مأموریت؛
- ۴- برآورد منابع، بودجه و بسترهای ماندگاری و تعالی فعالیت؛
- ۵- فراهم‌سازی زمینه‌های قانونی، هماهنگ‌سازی و مقبول‌سازمانی به هنگام عملیات اجرایی در سطح کلان؛
- ۶- انکشاف، بازآرایی و تسلط بر چرخه‌های چهارگانه اطلاعات در کشور؛
- ۷- شبکه‌بندی و سطح‌بندی نیازهای سطوح ملی و نخبگان ملی؛
- ۸- تولید و توزیع اطلاعات پابرجا و با قابلیت‌های تصمیم‌سازی کلان و ترسیم آینده مطمئن و ارسال به مصرف‌کنندگان کلیدی اطلاعات؛
- ۹- ایجاد بانک اطلاعات با سطح دسترسی و حفظ حیطه‌ها و محرمانگی به صورت بانک یکپارچه، شبکه‌ای، ملی، تخصصی و موضوعی؛

۱۰- ارزیابی فرآیندها و کنترل روند‌ها در حوزه‌های سرویس دهی؛

۱۱- اشراف و تعالی عملکردها. (عصاریان نژاد، ۱۳۸۳: ۱۷)

در انتظار بر حصول اشراف در سطوح ملی و فرو ملی به تسلط و برتری در همگام وقوع رخدادهای و مراقبت و مواظبت از بروز غافل‌گیری‌ها در سطوح ملی نیاز فراوانی موج می‌زند که هم‌زمان با آن باید به اعمال حساسیت‌های لازم در برخورد با شرایط بحرانی و پیگیری سلامت و اطمینان در روند سازمان‌ها در سطح مختلف نیز توجه داشت. (Godson, 2009: 11)

نکته مهم دیگر حضور حاضر و ناظر اشراف در فرآیندهای تصمیم‌سازهای کلیدی و ملی با توان تجهیز و آمادگی در برداشت و تولید اطلاعات مطمئن و نیز هوشمندی جامع و راهبردی و کیفی نمودن اطلاعات تولیدی است. به گونه‌ای که هیچ نقطه و موضوعی از چرخه اطلاعاتی آن دور نماند و موجب رصد موفق و جامع اشراف اطلاعاتی شود و این مطالبه‌ای مبتنی بر حوزه رضایت‌نخبگان ملی و ترسیم موفقیت در پی‌گیری منافع امنیت ملی در یک کشور می‌باشد. لذا از نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران در سطح ملی این انتظار را بر می‌انگیزد که با رصد جامع و یکپارچه محیطی و انکشاف عوامل چهارگانه ضعف و قوت تهدید، فرصت معنادار ملی و تعیین موقعیت و تعالی موقعیت راهبردی در کشور امکان دستیابی به شرایط و مزیت پیش‌تازانه و برتری‌ساز را که مبتنی بر آگاهی و شناخت و تسلط نخبگان بر محیط‌های هدف و رقیب است فراهم سازد و رسالت مأموریت‌های ملی را با تکیه بر قدرت مطمئن مدیریت رویکرد پیش‌بینی و قابلیت پیش‌گیری از ناامن‌های ملی ایجاد نماید.

طراحی ساز و کار اشراف اطلاعاتی:

مشخص است که انتخاب شیوه جامعیت در اشراف اطلاعاتی جزئی جدایی‌ناپذیر از برنامه توسعه تسلط بر محیط هدف از طریق جمع‌آوری و دستیابی بر اطلاعات مطمئن سطوح کلان نخواهد بود که بدین‌وسیله به شکلی مستقیم، با اهداف عملیاتی برنامه حمایت از تصمیم‌گیری کلان تطبیق پیدا می‌کند. در مرحله عمل، معمولاً محدودیت‌های گوناگون ساختاری فرهنگی و فنی در سطوح سازمان و شبکه‌های پشتیبانی و اجرا باعث می‌شود که نظام شبکه‌ای و جامعی در این راستا برگزیده شود. در کنار این تنگناها، محدودیت‌های شبکه‌ای و سازمانی نیز وجود دارند که حتی در صورت برطرف نشدن محدودیت‌های اولیه و عدم انتخاب یک شبکه جامع و صحیح بر مبنای دقیق نظری و با اهداف مشخص، منجر به ایجاد مشکلات فراوانی در مرحله

اجرا خواهند شد و هزینه‌های عملیات اشراف را به شدت افزایش خواهند داد. بنابراین موفقیت در اشراف اطلاعاتی منوط به «همبسته‌سازی روندها» و «نظارت پیوسته»، «مدیریت کارآ»، «برنامه‌ریزی دقیق» است. در یک رویکرد اشراف اطلاعات باید نظام مشخصی برای اخذ بازخورد، ارتقای سطح اجرا و مدیریت سطح‌بندی شبکه و محرمانگی، حیطة و امنیت اطلاعات به منظور کاهش خطای ورودی و خطای خروجی، بر اساس نتایج وجود دارد.

عامل اساسی دیگر در موفقیت طراحی جامع ایجاد یک نگرش در قالب یک فرایند هدفمند، ایجاد شبکه‌های تأمین‌کننده اطلاعات و یا عضویت در شبکه‌ای ارتباطی و مشارکت دادن ساز و کارهای مورد هدف در چرخه اطلاعاتی مطمئن برنامه‌ریزی، اجرا، مدیریت و نظارت می‌شود. اکمال برنامه اشراف اطلاعاتی یعنی تعالی تدریجی آن باید همگام با توسعه و نهادینگی جامعه اطلاعاتی (درون و برون ناجا) از قبل پیش‌بینی شده و برنامه‌ریزی شده باشد. این مرحله انتهایی ممکن است به واسطه دست‌یابی برنامه به اهداف مورد نظر و یا تمام شدن منابع اطلاعاتی باشد. آنچه که در این زمینه اهمیت بسزایی دارد این است که «تدریجی» بودن فرایند آن رعایت شود به ویژه زمانی که اشراف اطلاعاتی مربوط به تصمیم صحیح و به موقع باشد که اثر به‌سزایی بر سطح امنیت ملی و تمهید توسعه پایدار در کشور داشته باشد. در واقع آن چه که باید مورد توجه دقیق قرار گیرد این است که به هنگام طراحی و اجرای گام‌های مختلف اشراف اطلاعات، پایداری طرح و تأکید بر اصلاح روندها و چرخه‌های اطلاعاتی براساس سیاست‌ها، چشم انداز و برنامه راهبردی ناجا از جنبه‌های مختلف قدرت ملی تعقیب، نظارت و رعایت شود. (پورمنافی، ۱۳۹۶: ۷۶) به عبارت دیگر برنامه اشراف اطلاعاتی باید به گونه‌ای طراحی و برنامه‌ریزی شود که پس از این که سیاست مزبور به تدریج و به شکل عملیاتی به سازمان‌ها ابلاغ و در آن‌ها استقرار و پیاده‌سازی شد، اثرات مؤثر و پایداری از خود بر جای بگذارد. لذا در قالب یک برنامه راهبردی باید دانست که اجرای مناسب طرح اشراف اطلاعاتی نیازمند گام‌های هم‌بسته و پیوسته‌ای است که باید به ترتیب و با دقت طی شوند. هر کدام از این مراحل نیازمند تأکید بر صحت، محرمانگی، اعتبار و موضوعیت دادن به چرخه اطلاعات و ترکیب داده‌های ویژه و برخاسته از منافع امنیت ملی و تحلیل شرایط بخش‌های آسیب‌پذیر در زمینه تغییرات سطوح اشراف و منافع اطلاعاتی برخاسته از آن است.

یک طرح جامع اشراف اطلاعاتی در نیل به این کار کرد باید مراحل هفت‌گانه زیر را به عنوان گام‌های استانداردسازی اشراف اطلاعاتی، به خود اختصاص دهد:

- * نیاز راهبردی، میزان، وسعت و عمق اهداف و منافع امنیت ملی قابل تعقیب در قالب تأمین از طریق شبکه اطلاعاتی و تحلیل اثر آن‌ها بر سازمان تصمیم و خلق آینده؛
- * تبیین قابلیت‌ها و کارکردهای رده‌هایی که از طریق چرخه اطلاعاتی و تأمین و تحقق نیازمندی‌های اشراف و ارزیابی قابلیت‌های آن ریسک کاهش امنیت ملی در حوزه‌های تصمیم‌سازی و یا کنترل آسیب بالاتری برخوردارند؛
- * سطح بندی و تبیین ساز و کارهای فوریت و صحت اطلاعات در اشراف، مطابق با کارکردهای مورد انتظار از سازمان هدف و تبیین نقش آن در مدل اشراف؛
- * استقرار و پیاده‌سازی طرح و نظارت و بازبینی روندها و فرایندها در حفاظت از کارآیی اشراف با رعایت اصول و شاخص‌های راهبردی مدل؛
- * نظارت و بازبینی روندها و فرایندها در حفاظت از کارآیی اشراف اطلاعاتی در دست‌یابی به کارکردهای مورد هدف در اتخاذ تصمیم و دفع غفلت‌ها در محیط امنیت ملی به وسیله نماگرهای صحیح و در جهت ماندگاری و بروز رسانی و ارتقای سطح کارآیی؛
- * رده بندی، امتیاز دهی و ارزش‌یابی برنامه را بر سازمان‌های مورد هدف در اشراف مورد تأکید قرار می‌دهد؛
- * افزایش نقش کیفی نهادهای مؤثر در شبکه اشراف که اثر راهبردی برنامه اشراف را تداوم و راهبردی نموده و موجب می‌شوند تا هیچ‌گاه مأموریت آن به ناکامی نیانجامد بلکه در این مرحله به مرحله اكمال تدریجی خود نزدیک شده و ناشی از عملیات اشراف به خلق نیازهای جدید راهبردی و کشف افق‌ها و تصمیمات نوین دست یازد. (پورمنافی، ۱۳۹۶: ۷۹) در نگاه اكمال تدریجی باید به کیفی‌سازی و ارتقا شرایط و به تعبیری دیگر مطلوب‌سازی چرخه اشراف توجه نشان داد و می‌توان مراحل زیر را نیز مدنظر قرار داد.
- * تبیین حوزه‌های ترکیب و یا تمایز تخصصی در شبکه اشراف اطلاعاتی با تعریف سطح ارتباط، دسترسی، ضریب محدودیت‌ها و محرمانگی؛
- * بررسی چرخه اطلاعاتی سازمان با هدف کاهش سطح نفوذ، درز اطلاعات و اعتماد زدایی اطلاعاتی؛
- * اندازه‌گیری مداوم نقش، تاثیر و جایگاه سازمان و یا اثرات آن بر امنیت ملی با رصد به هنگام، نوبه‌ای و یا ارزیابی تصادفی میزان اشراف اطلاعاتی آنان بر دیگر نهادها و بخش‌های مربوطه و

تحت کنترل در محیط ملی؛

* بررسی و ارزیابی امکان توسعه، محدودسازی و یا تعمیق شبکه‌های تولید، مصرف و یا مشتری در محیط اشراف اطلاعاتی با توجه به رعایت و لحاظ ویژگی‌های امنیتی و ضرورت‌ها و الزامات دسترسی و ایفای نقش؛

* تبیین مداوم معیارها و میزان مطلوبیت سطح اشراف اطلاعاتی در تصمیم‌سازی‌ها و تکمیل محرک‌ها و رفع نقصان‌ها؛

* در بعد جامعیت هنگام طراحی این برنامه هدفمند و برگزیدن یک یا ترکیبی از نظام‌های مولد اشراف اطلاعاتی، نخبگان و یا فرماندهان سطوح کلان، چند خصوصیت اصلی و اساسی را در فرایند تعالی اشراف اطلاعاتی باید مدنظر قرار دهد که عبارتند از: (۱) چه ساز و کاری طرح اشراف اطلاعاتی را جامعیت بخشیده و اجرا و نظارت آن را تسهیل می‌کند؟ (۲) چه جایگاهی در شبکه اشراف به عنوان عضو یا هدف مشخص می‌شود؟ (۳) کدام رویکرد برای بهینه‌سازی اشراف اطلاعاتی انتخاب و قابلیت اجرا به خود می‌گیرد؟ (۴) کدام قسمت و رده اشراف اطلاعاتی را طراحی و آن را مورد اجرا و، نظارت قرار می‌دهد؟ (پورمنافی، ۱۳۹۶: ۷۶)

معمولاً، فرماندهان و مدیران راهبردی در روند توسعه، ضرورت اشراف اطلاعات را طراحی و به هنگام پیشبرد اهداف و سیاست‌های کلان «پیش طرح اولیه» از عملیات اشراف اطلاعاتی به دست می‌دهند. زمانی که عملیات اشراف اطلاعاتی توسط ناجا به اجرا در می‌آید، کلیه رده‌ها، مدیران و تصمیم‌گیرندگان کلیدی مرتبط با موضوع، درخصوص نظام اطلاع‌رسانی مطمئن و کنترل غافلگیری به کار گرفته شده و در اشراف تصمیم‌گیری می‌کنند.

علاوه بر این زمانی که نهادهای مکمل چرخه اطلاعاتی نیز در عملیات نقش داشته باشند، آن‌ها نیز در این زمینه می‌توانند صاحب تاثیر، ایفای نقش و یا آرشوسازی اطلاعاتی و اعمال نظر باشند.

چنانچه «سازمان‌های غیر دولتی» در پیشبرد این اهداف برنامه دخالت داشته باشند، این سازمان‌ها نیز به عنوان یکی از عوامل موثر در هدف باید شناخته شوند. علاوه بر این دیگر سازوکارهای مورد هدف در اتخاذ جامعیت اشراف اطلاعاتی در بعد فراگیر نقش به‌سزایی ایفا می‌کنند. در این زمینه عوامل نظارتی، حفاظتی، کارکردی و ساختاری در شبکه اشراف باید به سازگاری نظام انتخاب شده با اهداف عملیات اشراف اطلاعاتی توجه داشته باشند و نظام طراحی شده در اشراف را به سمت اهداف مذکور هدایت کنند و در زمان ضرورت و نیاز، روش‌های

اصلاحی، تسریعی، واکنشی و دفع غافل‌گیری‌ها را به این منظور طراحی و محاسبه کنند.

ابعاد مبتنی بر موفقیت اشراف اطلاعاتی در قالب طرح جامع:

الف - فرصت محور: در این بعد، فرصت‌های پیش‌روی، محور طراحی یا تحلیل قرار می‌گیرند و با طراحی یا تحلیل با هدف بهره‌گیری از فرصت‌ها در حداکثر توجه اشراف قرار می‌گیرد (74 Harrison, 2011).

ب - تهدید محور: تهدیدهای پیش‌روی در این بعد، محور طراحی یا تحلیل قرار می‌گیرند و با طراحی یا تحلیل برای رفع تهدیدها هدف اشراف، امکان غافل‌گیری و بحران را به حداقل کاهش می‌دهد.

ج - مسئله محور: در این بعد اکتشاف مطالبات و مسایل موجود، محور قرار می‌گیرند و طراحی یا تحلیل برای تبیین واقعی مسأله و بعدهای محدودسازی و حل مسایل انجام می‌شود.

د - قابلیت محور: قابلیت‌های بالفعل و بالقوه در این بعد، مبنا واقع شده و طراحی یا تحلیل بر پایه قابلیت‌ها هدف اشراف واقع تا ضمن اجماع در توانایی و انرژی‌های سطح کلان موقعیت منسجم و مستحکمی ایجاد شود.

ه - هدف محور: هدف‌های متصور در منافع امنیت ملی در این موقعیت لحاظ و محور واقع می‌گردند و طراحی یا تحلیل، برای رسیدن به اهداف مذکور به صورت ترسیم آینده و تنگناهای عبور در آن و یا ارایه و پیشنهاد صورت می‌پذیرد. (39 Gardener, 2012)

ز - رسالت محور: در این بعد، رسالت‌های کلیدی و ایده‌های پیش‌تازانه و آرمانی دولت، محور طراحی قرار گرفته و طراحی برای برآورده ساختن و یا نزدیکی به آن پیش‌بینی انجام می‌گیرد.

ح - نیاز محور: خواسته‌ها و مطالبات جامع و یا غالب ملی در این بعد، مبنا قرار می‌گیرند و طراحی یا تحلیل برای تأمین خواسته‌ها و نیازها انجام می‌شود.

ابعاد مبتنی بر تبیین وضعیت و حفظ ثبات و اقتدار ملی:

الف - نتیجه‌گرا: در این بعد، جامعیت طراحی اشراف برکسب نتیجه مشخص متمرکز می‌شود و کارکرد خود را در به دست آوردن نتیجه مورد نظر که عمدتاً برون‌رفت موفق از یک مأموریت و شرایط غافل‌گیری را تضمین می‌نماید نمایان می‌سازد.

ب - فرایندگرا: در این وضعیت، مدل جامعیت طراحی تکیه بر یک فرایند مشخص را تأکید دارد و مبنای توجه اشراف به ترسیم و شفاف‌سازی آن فرایند مورد نظر خواهد بود (عصاریان ۱۳۸۴، ۷۹).

ابعاد مبتنی بر تبیین سطوح تأثیر گذاری اشراف اطلاعاتی

- الف - سطح راهبردی:** تمرکز توانایی و عملکردی طراحی در سطح، اشراف اطلاعاتی می‌تواند ابعاد و مقیاس موضوعات در سطح راهبردی را مورد نظر قرار دهد.
- ب - سطح عملیاتی:** در سطح عملیاتی، طراحی اشراف اطلاعاتی می‌تواند ابعاد و مقیاس رده‌های تخصصی را مورد توجه قرار دهد.
- ج - سطح تاکتیکی:** در سطح تاکتیکی، ابعاد و مقیاس‌های رده‌های اجرایی را مورد طراحی و تحلیل قرار می‌دهد.
- د - سطح تکنیکی:** در این سطح، ابعاد و مقیاس یک حوزه و موضوع بیش از دیگر موضوعات حوزه قدرت ملی هم چون توان امنیتی و یا دفاعی را در جامعیت طرح برجسته کرده و آن را در سطح تکنیک مورد توجه قرار می‌دهد.

ابعاد مبتنی بر دیدگاه تأثیر گذاری محیطی بر اشراف اطلاعاتی:

- الف - محیط درونی:** در این بعد، به اجزاء و عناصر محیط درونی سازمان، موضوعات و کشور نگریسته شده و طراحی یا بر مبنای آن بیشتر با نگاه بر حفاظت از منابع امنیت داخلی و منافع درونگرایی ملی توجه دارد.
- ب - برونگرایی محیطی:** در این بعد برونگرایی محیطی، اجزاء و عناصر بیرونی قدرت ملی در حوزه‌های گوناگون ملی و فراملی مبنای طراحی یا تحلیل قرار می‌گیرد. (همان)

تجزیه و تحلیل رویکردی در طراحی اشراف اطلاعاتی:

کارکردها و مطالبات و ساختارهای مورد هدف اشراف به وسیله اهداف حاکم بر سیاست‌های راهبردی و تعقیب چشم انداز کل مشخص می‌شوند؛ به هر حال، باید در این زمینه که بر چه اساسی رده‌های مورد هدف انتخاب شوند و چگونگی عضویت در شبکه یا عدم عضویت در شبکه اشراف اطلاعاتی محرز و معیارهایی انتخاب و یا تدوین شوند، مهم و حیاتی تلقی گردد. معیارهای عضویت در شبکه یا عدم عضویت در شبکه باید وسیله هر دو نهاد عضو شبکه و همچنین مدیریت اشراف اطلاعاتی به خوبی درک شوند و به واسطه دریافت بازخوردهای برنامه، اصلاح، تجدید و تصحیح عملکرد شوند.

به منظور تأمین حداکثری در اشراف اطلاعاتی در ابتدا باید با وزن دهی به مؤلفه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، اطلاعاتی و سازمانی مرتبط با زیر نظام‌های شش گانه اشراف

اطلاعاتی، نظام مناسبی به این منظور انتخاب شود. شاید نیاز باشد که در این زمینه ارتباطات مناسب و منسجمی بین مؤلفه‌های برتری و نقصان هریک از رویکردها به منظور انتخاب رویکرد صحیح چرخه مطمئن ناپایدار و با ثبات اطلاعات ترسیم و تنظیم شود.

انتخاب نوع، ماهیت، حجم، گستره و عمق فعالیت شبکه اشراف بستگی به ماهیت و شیوه پیگیری اهداف و منافع امنیت ملی در سازمان دارد که اشراف اطلاعاتی در چارچوب آن صورت می‌گیرد. با این وجود شیوه اشراف اطلاعاتی باید سازگاری لازم را با زیرساخت‌ها (پشتیبانی عملیات اطلاعاتی، منابع انسانی و منابع سازمانی) و محیط داشته و امکان پذیری پیوسته‌های گوناگون در شبکه اشراف را در حوزه‌های اطلاعاتی، سیاسی، فرهنگی و فنی لحاظ کند. در این قسمت نظام‌های مختلف در اشراف اطلاعاتی اعم از نظامات «سازمانی»، «جغرافیایی»، «چرخه تولید اطلاعات»، «احساس مشارکت»، «جامعیت نهادی» که بتواند امکان را «سنجش تقریبی شرایط» و «سنجش دقیق شرایط» تعقیب منافع امنیت ملی پدید آورد بسیار کلیدی و مزیت‌ساز است و قدرت ملی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

همان طور که اشاره شد از جمله اهداف مهم مقاله حاضر، شناسایی ابعاد رویکرد شبکه‌ای در اشراف اطلاعاتی و مؤلفه‌های آن می‌باشد. بررسی‌های انجام شده در این مقاله نشان داد که، رویکرد موصوف در واقع دارای ابعاد چندگانه و مؤلفه‌های متنوع می‌باشد که با تشخیص درست و به کارگیری صحیح آن‌ها می‌توان به کار ویژه اصلی اشراف اطلاعاتی که همان پیشتازی در عرصه اهداف و مأموریت‌های است، رسید. در این رابطه ابتدا با مطالعه و تبیین مبانی نظری و همچنین طبقه‌بندی‌های رایج، ابتدا ابعاد مؤلفه‌های مطرح در مورد رویکردها تحلیل و شناسایی شده و سپس با ابعاد و مؤلفه‌های منتخب براساس نظر متخصصین که با استفاده از نرم‌افزار Micmac ابعاد و مؤلفه‌های مرتبط با رویکرد شبکه‌ای اشراف اطلاعاتی تعیین گردیدند. الف- با توجه به فرایند مذکور، ابعاد چندگانه و تنوع مؤلفه‌های موجود در دامنه این پیوستار از نگرش سنتی تا رویکرد شبکه‌ای و نیز ابعاد و مؤلفه‌های منتخب براساس نظر متخصصین تشریح می‌گردد. بر اساس نظر متخصصین که با استفاده از نرم افزار Micmac طبقه‌بندی و تحلیل گردید مشخص شد از نظر اهمیت (درجه تأثیرگذاری) از یک سو و میزان قابلیت مدیریت (درجه اثرپذیری) از سوی دیگر پارادایم توجه به جامعیت در اشراف اطلاعاتی از بالاترین وضعیت نسبت به سایر متغیرها برخوردار بوده و به عنوان یکی از ابعاد در طراحی تعیین می‌گردد. ضمناً عنصر پیشنهادی و برتری ساز اشراف اطلاعاتی با کسب درجه

تأثیرگذاری و درجه اثرپذیری نسبتاً مناسب، تا حدودی متأثر از جامعیت و یکپارچگی طرح بوده و سنتی‌گرایی اطلاعاتی و نگاه سلسله‌مراتبی به اشراف در تقابل با جامعیت و کارآمدی هدف قرار دارد.

ب- در ادامه و براساس نتایج به دست آمده در موضوع ابعاد مبتنی بر موفقیت اشراف، مشخص گردید «رسالت محوری»، «هدف محوری» به ترتیب در موقعیت‌های برتری از نظر تأثیرگذاری و تأثیرپذیری به نسبت متغیرهای دیگر برخوردار می‌باشند.

بر همین اساس به عنوان ابعاد موقعیت‌ساز در طراحی جامع تعیین و «فرصت محوری»، «قابلیت محوری» «نیاز محوری»، «مسئله محوری» و «تهدید محوری» به ترتیب با کمترین فاصله از موقعیت‌های برتری‌ساز در اشراف اطلاعاتی ناجا، این کارکرد را به تقویت بخش‌های تحلیلی و توسعه سطح توانمندی‌های تصمیم‌گیری به موقع و کارآمد پیش می‌برد.

ج- براساس نتایج حاصله در موضوع ابعاد مبتنی بر تبیین وضعیت و حفظ ثبات اقتدار ملی مشخص شد «نتیجه‌گرایی» و با کسب بیشترین درجه تأثیرگذاری نسبت به «فرایندگرایی» به عنوان تکیه‌کلیدی در طراحی وضعیت محور «اشراف» تلقی می‌گردد. ضمناً در اولویت دوم معیار «تعیین ضرورت جامعیت» قرار دارد لذا «فرایندگرایی» اگرچه در بعد «تأثیرپذیری» از درجه بالاتری نسبت به «نتیجه‌گرایی» برخوردار است، ولی به دلیل این که در بعد دیگر «تأثیرگذاری» در موقعیت پایین‌تری قرار دارد، لذا بیشتر به وضعیتی متمایل به نگرش سنتی شباهت دارد.

د- در موضوع ابعاد مبتنی بر تبیین سطوح تأثیرگذاری اشراف اطلاعاتی نتایج نشان می‌دهد که از نظر میزان اهمیت (درجه تأثیرگذاری) و میزان قابل مدیریت بودن (درجه اثرپذیری) «سطح راهبردی» اشراف اطلاعاتی از بالاترین وضعیت نسبت به سایر متغیرها برخوردار بوده و به عنوان یکی از مطالبات جامع در رویکرد طراحی تعیین می‌گردد.

ضمناً «سطح عملیاتی»، «سطح تاکتیکی»، «سطح تکنیکی» به ترتیب در وضعیت‌های بعدی قرار دارند و علی‌رغم پیوسته‌های راهبردی طرح رفته رفته به جایگاه تحلیلی آن در امتداد سطح راهبردی اشراف اطلاعاتی متمایل می‌گردند.

ه- براساس نتایج حاصله در موضوع ابعاد مبتنی بر دیدگاه محیطی «برونگرایی محیطی» با کسب بیشترین درجه تأثیرگذاری نسبت به «درون‌گرایی محیطی» به عنوان ابعاد موقعیت و جامعیت طراحی در اشراف اطلاعاتی تعیین می‌گردد. ضمناً با توجه به این که بعد «تأثیرپذیری»

در اولویت دوم معیار تعیین ابعاد رویکرد شبکه‌ای قرار دارد، لذا «درون‌گرایی» گرچه در بعد دیگر (تأثیر‌گذاری) در موقعیت پایین‌تری قرار دارد، لذا در وضعیتی متمایل به رویکرد حفاظت از قابلیت‌ها و شرایط تدافعی اشاره دارد.

تنوع مؤلفه‌ها در رویکرد جامعیت بخشی اشراف اطلاعاتی:

مؤلفه‌های مختلفی در ارتباط با رویکرد شبکه‌ای و تمایز آن از نگرش سنتی وجود دارد، تنوع این مؤلفه‌ها در حوزه‌های گوناگون به شرح زیر مطرح می‌باشد.

مؤلفه مبتنی بر راهبرد آگاهی:

براساس نتایج به دست آمده، مشخص گردید، در راهبرد تولید آگاهی تخصصی مؤلفه «نوآورانه» که به معنای برخورداری از شیوه تولید دانایی در مقابل شیوه آگاهی تدریجی و نیز منبع تولید اطلاعات مطمئن در مقابل اطلاعات موضوعی می‌باشد، بیشترین درجه تأثیر‌گذاری (میزان اهمیت) و بیشترین درجه تأثیر‌پذیری (میزان قابل مدیریت کردن) را به خود اختصاص داده و در حوزه دانایی از مؤلفه‌های مؤثر در موفقیت اشراف اطلاعاتی به شمار می‌رود. به ترتیب در «جستجوگری اطلاعات»، «بهره‌برداران اطلاعاتی» و «مصرف کنندگان اطلاعات» با کاهش درجه انطباق‌پذیری با رویکرد شبکه‌ای، به سمت رویکرد تخصصی شدن «اشراف» سوق می‌یابند.

مؤلفه‌های مبتنی بر انتقال دانایی:

نتایج حاصله نشان می‌دهد که در انتقال دانایی مؤلفه «بیرونی‌سازی» به معنای حرکت از سمت آگاهی موضوعی به دانایی عمیق می‌باشد، با بیشترین درجه تأثیر‌گذاری (میزان اهمیت) و بیشترین درجه تأثیر‌پذیری (میزان قابلیت مدیریت کردن) از مؤلفه‌های رویکرد شبکه‌ای به شمار می‌آید سایر مؤلفه‌ها به ترتیب «ترکیب اطلاعاتی» به معنای تولید عمق و کیفیت در دانایی با کاهش درجه انطباق‌پذیری با این رویکرد، به سمت موضوعی و تخصصی کردن شراف اطلاعاتی سوق می‌یابند.

مؤلفه‌های مبتنی بر توسعه دانایی:

نتایج کسب شده مؤید این است که در حوزه تولید و توسعه دانایی، مؤلفه جمع‌آوری راهبردی که به معنای برخورداری از حضور فناوری در مقابل نیازهای اشراف اطلاعاتی می‌باشد، از بیشترین

درجه تأثیرگذاری (میزان اهمیت) و بیشترین درجه تأثیرپذیری (میزان قابلیت مدیریت کردن) برخوردار بوده و در حوزه تولید و توسعه دانایی از مؤلفه‌های این رویکرد به شمار می‌رود. سایر مؤلفه‌ها به ترتیب «جمع آوری تاکتیکی»، «جمع آوری کاربردی»، «جمع آوری تخصصی» با کاهش درجه انطباق پذیری از رویکرد شبکه‌ای، به سمت رویکرد اشراف سازمانی سوق می‌یابند.

مؤلفه‌های مبتنی بر گوناگونی کار اشراف:

نتایج حاصله نشان می‌دهد در گوناگونی کار اشراف مؤلفه «همکاری همه جانبه ملی» که به معنای کار با میزان پیچیدگی بالا و میزان وابستگی کارها به تعامل و همکاری ملی زیاد می‌باشد، با بیشترین درجه تأثیرگذاری (میزان اهمیت) و بیشترین درجه تأثیرپذیری (میزان قابلیت مدیریت کردن) از مؤلفه‌های رویکرد شبکه‌ای به شمار می‌رود. سایر مؤلفه‌ها به ترتیب «هوشمندانه» «یکپارچگی»، «معمولی» با دور شدن تدریجی از رویکرد موصوف، به سمت رویکرد موضوعی اشراف اطلاعاتی متمایل می‌گردد.

مؤلفه‌های مبتنی بر محورهای پیش‌تاز امنیت ملی:

بر اساس نتایج به دست آمده مشخص شد در پیش‌تاز امنیت ملی، مؤلفه «توسعه پایدار» که به معنای برخورداری از کاهش کنترل و برونگرایی رفتاری است، دارای بیشترین درجه تأثیرگذاری (میزان اهمیت) و بیشترین درجه تأثیرپذیری (میزان قابلیت مدیریت کردن) بوده و در بخش منابع توسعه و امنیت پایدار از مؤلفه‌های رویکرد شبکه‌ای به شمار می‌رود. مؤلفه‌های «مهندسی ملی اطلاعات» ملی‌سازی اطلاعات و آزادسازی اطلاعات به سمت رویکرد اجتماعی نمودن شبکه اطلاعاتی متمایل هستند.

مؤلفه‌های مبتنی بر سازماندهی کارآمد:

برابر نتایج به دست آمده، در سازماندهی برای اشراف، مؤلفه «اثربخشی و کارآمدی» بیشترین درجه تأثیرگذاری (میزان اهمیت) و بیشترین درجه تأثیرپذیری (میزان قابلیت مدیریت کردن) کسب کرده و به عنوان مؤلفه‌های رویکرد شبکه‌ای به شمار می‌رود. سایر مؤلفه‌ها اعم از «عمل سامان‌مند»، «تعریف شده» و «یکپارچه» به عنوان مؤلفه‌های رویکرد اشراف سازمانی به شمار می‌روند.

مؤلفه‌های مبتنی بر ضمانت نتایج تصمیمات:

نتایج کسب شده مؤید این است که در زمان تداوم تصمیم، مؤلفه «پیشگامی» به معنای برخورداری از توان زیاد استفاده از پیش برنده‌های تصمیم موجود است، دارای بیشترین درجه تأثیرگذاری (میزان اهمیت) و بیشترین درجه تأثیرپذیری (میزان قابلیت مدیریت کردن) بوده

و در حوزه ضمانت تصمیم‌گیری به عنوان مؤلفه رویکرد شبکه‌ای محسوب می‌گردد. مؤلفه‌های دیگر اعم از «نظارت صریح» و «مشارکت عمومی» از زمره مؤلفه‌های رویکرد موضوعی در اشراف اطلاعاتی به شمار می‌روند (عصاریان ۱۳۸۴: ۲۱۷).

نتیجه‌گیری:

فضای پیچیده و مملو از متغیرهای چند جانبه، با ویژگی‌های ناپایداری از یک سو و رشد روز افزون، شتابان و غیر خطی تغییر و تحولات محیطی از سوی دیگر، ضرورت‌های موجود را در حوزه‌های مختلف به ویژه حوزه سیاست‌های امنیت داخلی به صورت اساسی به چالش کشانده است. امروزه نه تنها کسب موفقیت‌ها، بلکه حفظ و بقاء حیات هر نظام سیاسی و سازمان‌های دارای مأموریت در حوزه امنیتی و اطلاعاتی در گروی گذر از سنتی‌گرایی و در پیش‌گیری اولویت‌های منافع ملی موجود است. در چنین وضعیتی اشراف اطلاعاتی به عنوان یک ضرورت کلی، اصلی و اساسی برای نهادهای انتظامی و امنیتی مطرح می‌گردد. به کارگیری روش‌ها، ابزارها و شیوه‌های مرسوم و متعارف که در قالب رویکرد سنتی اشراف اطلاعاتی انجام می‌شود، نمی‌تواند در عبور از مرزهای رقابت و پیشتازی مؤثر واقع شود. قدم نهادن در راه‌های میانبر، به کارگیری روش‌ها، ابزارها و شیوه‌های نوین و منحصر به فرد و شناختن حوزه‌های ناشناخته امنیت ملی لازمه حرکت در مسیر توجه و اصالت دادن به اشراف اطلاعاتی می‌باشد. مجموعه این اقدامات مستلزم اتخاذ رویکرد شبکه‌ای می‌باشد. رویکرد شبکه‌ای در مقابل رویکرد سنتی قرار دارد. براساس این رویکرد آغاز کار از پایان متصور برای آن، شروع می‌شود. یعنی ما فضای فعلی به جامعیت طراحی را براساس نیات راهبردی انجام داده و موفقیت اشراف را از فضای فعلی و سنتی به فضای پیشتاز و رقابتی وصل می‌کنیم. شناخت صحیح و فهم درست این رویکرد در مقابل رویکرد سنتی کار ساده‌ای نمی‌باشد. بنابراین می‌باید ابعاد و مؤلفه‌های رویکرد شبکه‌ای در مقابل رویکرد سنتی شناسایی شده و با استفاده از نگاه راهبردی به اشراف اطلاعاتی به کارگیری شود. در پایان برابر نتایج بدست آمده ابعاد نهائی شده در رویکرد شبکه‌ای اشراف اطلاعاتی عبارت است از:

۱- پارادایم شیفت اشراف اطلاعاتی در نیازهای امنیتی به ضرورت‌های تام و همه جانبه منافع امنیت ملی.

۲- جداسازی دو تفکر اشراف از طرح ریزی اطلاعاتی - امنیتی تا طرح ریزی کلان اطلاعاتی -

راهبردی.

۳- توجه به رسالت سازمانی در نیل به تامین تصمیمات کارآمد راهبردی و برتری بخش براساس منافع امنیت ملی.

۴- بنا کردن و تبیین وضعیت اشراف اطلاعاتی در قالب مدیریت برمبنای نتیجه.

۵- توجه به کارآمدی و کاربردی نمودن اشراف اطلاعاتی و تبیین جایگاه و زنجیره سلسله مراتب سازمانی اشراف اطلاعاتی.

۶- ترکیب توأمانی و تقسیم کار ساختاری محیط داخلی و خارجی اشراف سازمانی در نیل به خلق آینده‌ای اطمینان بخش.



منابع فارسی:

- ابوالقاسمی، محمدجواد. (۱۳۹۱)، " گامی بسوی طراحی جامع استراتژیک "، همایش کاستی‌ها و راه‌کارهای بخش فرهنگی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ادواردز و همکاران. (۱۳۸۹)، " طراحی جامع: راهنمای عمل "، ترجمه سیدمحمد اعرابی و داوود ایزدی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- پورمنافی، ابوالفضل، (۱۳۹۶)، طراحی الگوی راهبردی اشراف اطلاعاتی ناجا، رساله دکتری با راهنمایی دکتر حسین ذوالفقاری، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- عساریان، حسین. (۱۳۷۹)، " تسلط اطلاعاتی و تصمیم‌سازی امنیتی در عصر نوین " پروژه تحقیقاتی، تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات وزارت کشور.
- عساریان، حسین. (۱۳۸۱)، " ضرورت‌های کلان‌نگری ملی به اشراف اطلاعاتی " متن سخنرانی، دفتر آموزشی مدیران، تهران: وزارت اطلاعات.
- عساریان، حسین. (۱۳۸۳)، " منافع امنیت ملی و اشراف‌ملی اطلاعات " مقاله چاپ نشده، دانشکده علوم و فنون فارابی، تهران.
- عساریان، حسین. (۱۳۸۴)، " اشراف اطلاعاتی در دستگاه‌های امنیتی " مطالعه موردی، پروژه تحقیقاتی، تهران: دفتر مطالعات امنیتی.
- علی احمدی، علیرضا. (۱۳۸۳)، " مجموعه مقالات طراحی جامع استراتژیک (شامل ۳۱ مقاله تالیف و ترجمه‌ای در فرآیند مدیریت استراتژیک) "، تهران: انتشارات تولید دانش.
- فرهنگی، علی اکبر و دیگران. (۱۳۸۶)، " طراحی و تبیین مدل طراحی جامع در برنامه‌های راهبردی "، دانش مدیریت، دوره ۲۰، زمستان ۱۳۸۶.
- ملکی فر، عقیل. (۱۳۸۶)، " بررسی و تبیین شاخص‌های طراحی در مدیریت آینده‌نگر "، پروژه تحقیقاتی، تهران: وزارت دفاع.

منابع انگلیسی:

- Ash David. (2012), in holistic planning: A problem Looking for a solution, IJSM (LRP) Vol. 25, No. 2, 105- 115
- David C. Band and GERAL scanlan. (1995), strategic control through core competencies IESM) LRP) Vol. 28, ISSU E 2.
- xelrod, Alan. The War between the Spies: A History of Espionage during the Civil War (New York: Atlantic Monthly Press, 2010).
- Beard, Charles. The Idea of the National Interest (New York: Macmillan, 2014)

- Bozeman, Adda B. Strategic Intelligence dominate and Statecraft (Washington, D. C.: Brassey's, 2010.)
- Babcock, Fenton. " Assessing DDO Human Source Reporting." Studies in Intelligence dominate 22, no. 3 (Fall 2013.)
- C. Argyris (2011.), single- Loop and pouble- loop models making in holestic planning, Administrative Science quarterly, management control systems six Edition, Irwin, Homewood, Illinois.
- E. P. M. Gardener (2012), A system Approach holestic Strategic planning Management and supervision the untie lionization and feed back control, Journal of management studies No. 22, P. 14
- Frank E. Harrison. (2011), in holestic Strategic planning at the C. E. O. Level , International Journal of strategic Management (Long Range planning) Vol. 24, No .6 , P. 78)
- Gardiner, L. Keith. " Dealing with Intelligence dominate- Policy Disconnects, ". Studies in Intelligence dominate 33, no. 2 (Summer 2009.)
- Godson, Roy. Intelligence dominate Requirements for the 2000s (Lexington, Mas: Lexington Books, 2009.)
- Gries, David D. " New Links between Intelligence dominate and Policy." Studies in Intelligence dominate 34, no. 2 (Summer 2010.)
- Hulnick, Arthurs S. " The Intelligence dominate Producer- Policy Consumer Linkage. " Studies in Intelligence dominate 29 (Winter 2015.)
- Johnson, Lock. Bombs, Bugs, Drugs, and Thugs: Intelligence dominate and America's Quest for Security (New York: New York University Press 2012.)
- Pillar, Paul R. Terrorism and U. S. Foreign Policy (Washington, D. C: Brookings Institution, 2011.).